

پیشنهادهایی برای اجرای یک لایحه مهم در خصوص تابعیت

امر حقوقی را حقوقی بفهمیم



رضا مشتاقی

روزنامه‌نگار

لایحه اصلاح «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» دهم مهرماه به تایید شورای نگهبان رسید و طی روزهای آتی پس از ابلاغ و انتشار در روزنامه رسمی اجرایی خواهد شد. با اجرایی شدن این قانون، تابعیت از مادران ایرانی نیز به فرزندان شان منتقل می‌شود و تبعیض بلاوجه سابق که این قابلیت را اصولاً منحصر در پدران ایرانی دانسته بود تا حدی مرتفع می‌شود. این اتفاق به علاوه مواردی مانند رای وحدت‌رویه اخیر دیوان عالی کشور و برابر کردن دیه دریافتی زنان و مردان نشانه مثبتی است از بازخوانی مسائل جنسیتی در نظام حقوقی ایران. تغییری که اگر متوقف شود یا به کندی صورت پذیرد، عواقب اجتماعی آن جبران‌ناپذیر خواهد بود. هم‌اکنون نیز اگر بسیاری از آسیب‌های اجتماعی موجود را که به نحو گسترده‌ای کشور را درگیر خود کرده‌اند، ریشه‌یابی کنیم، یکی از علل اصلی را عدم انطباق زیرساخت‌های حقوقی با واقعیت‌های جامعه درخواهیم یافت. لایحه مورد بحث کوشیده است به این سوحرکت کرده و تا حدی قامت ناساز قوانین موجود در حوزه اعطای تابعیت را اصلاح کند. وقتی قوانین ما به شخصی که در ایران و از پدر و مادری خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده‌اند به دنیا آمده است تابعیت ایرانی می‌دهند - بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی - اما همین تابعیت را از شخصی که در ایران از مادری ایرانی و پدری خارجی متولد شده است، دریغ می‌کنند - بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی - یک ناسازگاری با اولویت‌ها را ما نشان می‌دهند که باید اصلاح‌شان کرد. اگرچه در لایحه مورد بحث هنوز کسب تابعیت برای فرزندان متولد از زن ایرانی مشکل‌تر از حالتی است که شخص از زنی خارجی که متولد ایران است زاده شده باشد، با این وجود اصل مشکل و ناتوانی این اشخاص در به دست آوردن تابعیت ایران قبل از ۱۸ سالگی حل شده است. در قوانین موجود این اشخاص می‌توانند بعد از رسیدن به ۱۸ سالگی تقاضای برخورداری از تابعیت ایران را کنند اما تمام سنین کودکی و نوجوانی خود را باید با بی‌تابعیتی و محرومیت‌های ناشی از آن بگذرانند. در قانون جدید و با ایجاد این امکان که افراد قبل از رسیدن به ۱۸ سالگی و با درخواست مادر ایرانی خود بتوانند تابعیت ایران را کسب کنند، این ایراد اصولاً مرتفع شده است. علاوه بر این، قانون جدید مزیت دیگری را نیز برای این فرزندان قائل شده و نیروی انتظامی را مکلف کرده است به پدران آنها پروانه اقامت اعطا کند. تبصره ۲ لایحه نیز مقرره جدیدی را پیش‌بینی کرده است که می‌تواند در حال برطرف شدن معضل «بی‌شناسنامه‌ها» باشد. هم‌اکنون در کشورمان، به ویژه در مناطق شرقی و استان سیستان و بلوچستان، اشخاص زیادی وجود دارند که نه به خاطر ازدواج با بیگانگان بلکه به خاطر محرومیت منطقه و عقلتی که در زمانی که برای اتباع ایران اسناد سجلی صادر می‌شده است روی داده، فاقد شناسنامه و به تبع آن هرگونه اوراق هویتی هستند. این افراد که عموماً از بلوچ‌های ایرانی هستند، پشت در پشت شناسنامه نداشته‌اند تا بتوانند با اثبات انتساب خود به شخصی که شناسنامه دارد، برای خود نیز شناسنامه بگیرند و از آنجا که خود را ایرانی می‌دانند حتی از حمایت‌های عادی که از سوی دولت از اتباع و مهاجران غیرایرانی صورت می‌پذیرد نیز محروم مانده‌اند. این وضعیت و خلأ قانونی موجود، یک بن‌بستی حقوقی در راه گریز از بی‌تابعیتی و تلاش برای به رسمیت شناختن حق این اشخاص در داشتن اوراق هویت ایجاد کرده بود.

تبصره ۲ لایحه سعی می‌کند این بن‌بست را بشکند. در این بخش مقرر شده است: «افراد فاقد تابعیتی که خود و حداقل یکی از والدین شان در ایران متولد شده باشند، می‌توانند پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام شمسی، تابعیت ایرانی تقاضا کنند.» به این ترتیب، اشخاص مورد بحث با اثبات ولادت خود و یکی از والدین شان در ایران با دلیلی مثل «گواهی ولادت» یا «استشهاد و تحقیقات محلی» می‌توانند برای خود و سپس برای فرزندان شان شناسنامه بگیرند و چرخه باطل بی‌تابعیتی را از بین ببرند. با این وجود، در لایحه برای همه این موارد - اعطای تابعیت به فرزندان متولد از ازدواج زن ایرانی و مرد غیرایرانی، صدور پروانه اقامت برای پدران این اشخاص و اعطای تابعیت به افرادی بی‌تابعیت که خود و یکی از والدین شان در ایران متولد شده‌اند - شرطی گذاشته شده است. وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هر دو باید ظرف سه ماه از تاریخ استعلام تایید کنند که اعطای تابعیت به این شخص مشکل امنیتی ندارد. این شرط از دو جهت حائز اهمیت و موجب نگرانی است.

اول اینکه هیچ میزان و معیاری برای «مشکل امنیتی» مشخص نشده و تعریف این موضوع به خود نهاد‌های امنیتی واگذار شده است. مشکل امنیتی در هر کدام از این حالات کدام است؟ کدام یک می‌تواند مانع برخورداری کودک از تابعیت ایرانی شود و کدام مشکل امنیتی صرفاً باید صدور پروانه اقامت برای پدر را محدود سازد؟ در صورت اختلاف نظر میان مجموعه‌های ذی‌ربط، نهادی برای حل اختلاف وجود دارد؟ آیا نظر این سازمان‌ها و دلایل شان برای عدم صلاحیت به اشخاص متقاضی ابلاغ می‌شود یا این که صرفاً گفته می‌شود که جواب منفی است؟ شخصی که جواب منفی گرفته است حق تجدیدنظرخواهی را برای کسب تابعیت دارد یا اینکه نظر ایشان قطعی است و قانونگذار مقام امنیتی را عاری از خطا انگاشته است؟ قانونگذاران نیازی ندیده‌اند به این طرأثف، که می‌تواند افرادی را بی‌دلیل و به اشتباه از حقی که برای آنها منظور شده

است محروم کند، بپردازند. در واقع قانونگذار در این مورد یک فرآیند قضایی یا حتی اداری تعریف نکرده بلکه صرفاً اعطای تابعیت را منوط به صلاحدید سازمان‌های اطلاعاتی دانسته است. فارغ از بحث تابعیت و آنچه تاکنون گفتیم، این فتح‌بنا یکی در نظام حقوقی ماست. تجدیدحقوق اشخاص باید به صورت صریح و روشن در قوانین اتفاق بیفتد و اجرایی آن نیز به مراجع ذیصلاح قضایی یا اداری که به صورت شفاف و پاسخگو، با حضور طرفین و با قابلیت تجدیدنظرخواهی عمل می‌کنند، سپرده شود. مأموران اطلاعاتی باید صرفاً به عنوان ضابط و کارشناس زیرنظر مقام قضایی عمل کنند و در صورت نیاز به مراجع قضایی گزارش یا مشاوره دهند نه اینکه خود در مقام قاضی قرار بگیرند و بتوانند قائم به نظر خود اشخاص را از حقوق شان محروم کنند.

پیش از این نیز تلاش‌هایی در نظام قانون‌نویسی ما شده بود تا در سلب حقوق اشخاص، مقامات امنیتی هم‌عرض مقام قضایی قرار داده شوند. به عنوان مثال در پیش‌نویس طرح «اعاده اموال نامشروع مسئولین» هیاتی پنج‌نفره مسئول رسیدگی به تخلفات شده بود که در آن نمایندگان سازمان‌های امنیتی هم‌عرض قاضی حاضر در هیات بودند و رای شان به یک میزان تأثیر داشت. آن طرح به جایی نبرد اما اکنون می‌بینیم که در یک قانون، نظر مقامات امنیتی در محدود کردن حق اشخاص در دستیابی به تابعیت بالاتر از نظر هر مقام دیگری ارزشگذاری شده است. براساس آمارها و گمانه‌زنی‌های مختلف، تعداد اشخاص موضوع این قانون که فاقد تابعیت هستند بین چند هصدتا تا یک میلیون نفر ارزیابی می‌شود. در صورتی که پدران این اشخاص را هم که براساس این قانون باید صلاحیت‌شان برای گرفتن پروانه اقامت از سوی مقامات امنیتی تایید شود به این آمار اضافه کنیم، رقم بسیار بالایی را پیش روی خود خواهیم داشت. نمی‌توان تعیین تکلیف تمام این افراد را به یک فرآیند غیرقضایی واگذار کرد و صرفاً به استعلام از نهاد‌های امنیتی کفایت کرد و هیچ راهی برای اعتراض به این نظرات و طلب نظارت از سوی

یک مقام بالاتر را پیش‌بینی نکرد. این شیوه از قانونگذاری مطلقاً در آینده‌ای نه‌چندان دور موج نارضایتی اشخاصی را که تاپیش از این خود را - قانوناً - بلاحق می‌دانستند و از این پس خود را به ناقح محروم شده از یک حق می‌دانند، پدید خواهد آورد. تجدید و سلب حقوق شهروندان یک رفتار قضایی است و طبق اصل ۶۱ قانون اساسی باید از مجرای دادگاه‌های دادگستری اجرا شود. در موارد جزئی تجدید حقوق اشخاص به نهاد‌های اداری مانند شهرداری‌ها سپرده می‌شود اما سپردن چنین اختیاری به مقامات امنیتی، آن‌هم در مورد حق بنیادینی مانند حق تابعیت، یک خطای راهبردی و بدل کردن امر حقوقی به امر امنیتی است.

حالی که لایحه از مرحله مجلس و تایید شورای نگهبان گذشته است و چند روز دیگر با طی یک فرآیند شکلی و بعد از چاپ‌شدن در روزنامه رسمی به قانون لازم‌الاجرا بدل می‌شود، می‌توان در راهکار برای اجتناب از آسیب پیش‌رو و تلخ شدن شیرینی تصویب این لایحه در نظر گرفت. اولین راه‌حل این است که مجلس با یک قانون الحاقی یا تفسیری، محدودیت‌ها و شیوه کار نهاد‌های امنیتی در موضوع این قانون و حقوق اشخاص در قبال آنها را مشخص کند که این راه‌حل اصولی و در عین حال زمانبری است. چاره دیگر اینجاست که این دو سازمان امنیتی با صدور بخشنامه یا آیین‌نامه‌ای با رویکردی حق‌مدار نحوه عملکرد مأموران خود در این موضوع و شیوه‌های حفظ حقوق متقاضیان را مشخص کنند تا از سلیقه‌ای شدن عملکرد و تمییز حقوق افراد جلوگیری شود. در غیر این صورت، این نحوه از قانونگذاری به وضوح در تناقض با اصول قانون‌نویسی و سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری، که کمتر از یک هفته پیش از تایید این قانون در شورای نگهبان، از سوی رهبر انقلاب ابلاغ شده است. در بند ۹ این سیاست‌ها آمده است که در قانونگذاری و قانون‌نویسی باید بر «شفافیت و عدم ابهام» و «عدالت‌محوری در قوانین و اجتناب از تبعیض ناروا» تأکید شود، خصوصیتی که در بحث ارجاع به نهاد‌های امنیتی در این قانون حاصل نشده است.

در حاشیه ۹ نهایی شدن دستورالعمل ساماندهی سگ‌های بدون صاحب

انصاری، مدیرکل محیط‌زیست و توسعه پایدار شهرداری تهران از نهایی شدن تدوین دستورالعمل نظارت بر عملکرد مراکز نگهداری و کنترل جمعیت سگ‌های بدون صاحب خبر داد و درخصوص تدوین دستورالعمل نظارت بر عملکرد مراکز نگهداری و کنترل جمعیت سگ‌های بدون صاحب گفت: «همان‌طور که اطلاع دارید از سوی شهردار تهران یک وظیفه نظارتی به اداره کل محیط‌زیست سپرده شد. از آنجایی که باید برای نظارت بهتر دستورالعملی تهیه می‌شد، جلساتی را با عنوان کارگروه نظارتی برگزار کردیم که در آن جلسات نمایندگان دامپزشکی، محیط‌زیست استان تهران، فرمانداری، ساماندهی مشاغل، نمایندگان سازمان‌های مردم‌نهاد، نمایندگان اعضای شورای شهر و نمایندگان ستاد توان‌افزایی سمن‌ها حضور داشتند. در حال حاضر کلیات دستورالعمل نظارتی تدوین شد که البته این دستورالعمل بر مبنای دستورالعمل ابلاغی وزارت کشور در سال ۸۷ بوده است. برخی سمن‌های محیط‌زیستی ایراداتی به دستورالعمل وارد می‌کنند. با استناد به دستورالعمل سال ۸۷، بازنگری این دستورالعمل ملی باید در دستور کار قرار گیرد. از این رو با توجه به ضرورت همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی مانند دامپزشکی و سازمان محیط‌زیست و فرمانداری، شهرداری تهران صرفاً می‌تواند پیشنهاد‌های خود را برای اصلاح آن به وزارت کشور ارائه کند. این دستورالعمل یک دستورالعمل داخلی نظارتی برای شهرداری تهران است و ما آن را به کمیسیون محیط‌زیست شورای شهر می‌فرستیم تا آن‌شاء‌الله پس از تصویب در موضوع نظارت بر کنترل جمعیت سگ‌های رهاشده به اجرا دربیاید.»

وجود ۲۴ هزار ناشنوا و کم‌شنوا در استان تهران

داریوش بیات‌نژاد، مدیرکل بهزیستی استان تهران پیشنهاد کرد تا برای تسهیل در ارائه خدمات به افراد ناشنوا در مراکز و سازمان‌های دولتی به‌ویژه بیمارستان‌ها، افراد مسلب به زبان کم‌شنوا و ناشنوا در استان تهران حضور دارند، گفت: «حدود ۱۰ هزار و ۵۰۰ نفر از این تعداد زنان و ۱۳ هزار نفر مردان هستند. ۵۰ درصد از ناشنوایی‌ها علت ژنتیک و ۵۰ درصد از علل ناشنوایی نیز اکتسابی است. انجام اقدامات پیشگیرانه، مشاوره‌های ژنتیک و غربالگری‌های قبل از ازدواج به شکل خودکار بخش علل ژنتیک ناشنوایی را کاهش می‌دهد. حدود ۱۷ درصد از معلولیت‌های تحت پوشش بهزیستی استان تهران مربوط به ناشنواییان است. بیش از هزارمورد در سال کاشت حلزون در استان تهران انجام می‌شود. بیش از ۹۰ درصد کودکان استان تهران در بدو تولد غربالگری شنوایی می‌شوند و این موضوع به درمان و ارتقای کیفیت شنوایی آنان کمک زیادی می‌کند. همچنین مشاوره‌های قبل از ازدواج... به پیشگیری از این نوع معلولیت کمک کرده است. از آنجایی که همه افراد جامعه این حق را دارند تا از فرصت‌ها و امکانات برخوردار باشند و افراد کم‌شنوا و ناشنوا هم با محدودیت ارتباطی روبه‌رو هستند، بنابراین هم تکلیف نهاد‌های دولتی و حمایتی و هم تکلیف خانواده‌ها این است که کمک کنند تا نیازهای این افراد به‌درستی شناخته و برطرف شود، البته با توجه به تصویب قانون حمایت از حقوق معلولان و ضمانت اجرایی آن هیچ دستگاه و نهادی که از بودجه عمومی دولت اعتبار استفاده می‌کند نمی‌تواند از اجزای آن سر باز بزند. اما از آنجایی که عمده فعالیت‌های بهزیستی به بخش خصوصی واگذار شده انتظار داریم این بخش هم به این نیازها توجه کند.»

مشکل کمبود معلم به‌زودی برطرف می‌شود

حاجی میرزایی، وزیر آموزش و پرورش گفت: «در روزهای آینده، محدودیت‌های مودی جذب معلم در برخی مدارس برطرف می‌شود. برآورد‌های وزارت آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۹۸-۹۹، کمبود ۱۰۸ هزار معلم بود که اکنون با اعمال راهکارهای قانونی و اتخاذ تدابیر لازم از قبیل به‌کارگیری نیروهای رسمی با پرداخت اضافه‌کار و همچنین تبدیل وضعیت نیروهای واجد شرایط، جبران شده است. در روزهای آینده نیز محدودیت‌های مودی در برخی مدارس برطرف می‌شود و امسال مشکل کمبود معلم در مدارس کشور به مراتب کمتر از پارسال است و نگرانی خاصی از این بابت وجود ندارد. در سال‌های آینده تعداد زیادی از معلمان کشور بازنشسته خواهند شد، در همین راستا نیازهای وزارت آموزش و پرورش در گزارشی به دولت اعلام شده و اکنون کارگروهی متشکل از کارشناسان سازمان برنامه و بودجه، سازمان امور استخدامی کشور و وزارت آموزش و پرورش، در حال برآورد تعداد دقیق معلم برای مدارس کشور هستند تا در بستر جذب قانونی نیروهای جدید، این نیاز برطرف شود.»

سامانه شفافیت ایراداتی دارد

اعطاء سخنگوی شورای شهر تهران درباره کامل نبودن اطلاعات سامانه شفافیت و برخی تناقض‌ها گفت: «اگر مسیر شفافیت نبود نمی‌شد به برخی تناقض‌ها هم دست پیدا کرد. هدف شفافیت این است که نظارت عمومی محقق شود. البته باید بر روند شفاف‌سازی هم نظارت صورت بگیرد. سامانه شفافیت ایراداتی دارد که ممکن است ششور به همه آنها واقف نباشد، بنابراین رسانه‌ها و تشکل‌ها باید روی آن بحث و بررسی داشته باشند. ما برخی از ایرادها را نمی‌کنیم.»

پاسخ رئیس اتحادیه صنف دستگاه‌های مخابراتی و ارتباطی و لوازم جانبی به پیگیری خبرنگار «فرهیختگان» در خصوص آشفستگی‌های بازار موبایل:

مرخصی هستم، پیگیری نمی‌کنم

کاسبان آن صحبت کردیم اعلام کردند گویا آنتن دهی برخی گوشی‌ها می‌چندد مانند دو هفته پیش قطع شده است و مشخص نیست چه اتفاقی در حال افتادن است. یکی از کاسبان این مجتمع به «فرهیختگان» گفت که قرار بود فکری برایمان کنند و اوضاع بهتر شود اما دوباره این اتفاق تکرار شد و بیشتر ساکنان طبقه پنجم و ششم این مجتمع در این مساله متضرر شده و از این رو اعتراض خود را اعلام کردند.

در همین راستا با مهدی مجبی، رئیس اتحادیه صنف دستگاه‌های مخابراتی و ارتباطی و لوازم جانبی تماس گرفتیم تا شاید جواب قانع‌کننده‌ای در پاسخ به اتفاقات رخ داده از او بشنومیم. جوابش جالب بود، وقتی از او پرسیدم که قرار بود با رایزنی‌های صورت گرفته قطع آنتن دهی

داده بود اما با شکایت صورت گرفته دادستانی به عنوان مدعی العموم وارد ماجرا شد و ۳۰ هزار گوشی تلفنی که به این شکل و شیوه وارد کشور شده بودند، شناسایی و غیرفعال شدند. این اتفاق که واکنش‌های بسیاری را به همراه داشت، در نوع خود جالب بود، چرا که رئیس اتحادیه اعلام کرد هیچ گوشی‌ای با قطع آنتن دهی مواجه نشده است و وزیر ارتباطات هم در صفحه مجازی خود اعلام کرد اطلاعاتی از این مساله ندارد و در حال پیگیری است تا این مشکل حل شود.

ظهر روز گذشته مجتمع علاءالدین کمی بالاتر از میدان حسن‌آباد در کنار شلوغی‌های همیشگی خود با تجمع کاسبان روبه‌رو شد و پلیس انتظامی ساعتی برای آرام شدن شرایط در محل حضور داشت. اتفاقی که وقتی با



الهه قاسمی

روزنامه‌نگار

مهر امسال بود که خبرها حکایت از تجمع کاسبان علاءالدین داشت و قطع آنتن دهی گوشی‌هایی که رجیستری آنان قبلاً فعال شده بود، اعتراض فروشندگان این مجتمع تجاری را به همراه داشت. موضوعی که با پیگیری روزنامه «فرهیختگان» مشخص شد این مساله به خاطر شکایت افراد درباره سوءاستفاده از اطلاعات شان برای ورود گوشی‌های مسافرتی به کشور انجام شده است؛ اتفاقی که گویا در بی‌اطلاعی مسئولان افتاده بود و سامانه همتا در ابتدا به آن مجوزی برای ورود قانونی این موبایل‌ها

گوشی‌های رجیستری حل شود و چه اقداماتی در این زمینه انجام شده است، اعلام کرد: «من چون چند روز است که تهران نیستم، اطلاعی از اتفاقات و شلوغی‌هایی که شما گفتید، ندارم.» متعجب شدم. در نتیجه به او گفتم وقتی در تهران نیستی، پیگیری‌ای هم در این رابطه انجام نمی‌دهید که مشکل این افراد حل شود و او در جوابم گفت: «خبر، من در مرخصی هستم.» فارغ از اینکه اقدام کاسبان در خرید عمده گوشی‌های تلفن همراه به صورت مسافری درست است یا خیر، اما با جوابی که از رئیس اتحادیه مزبور گرفتیم واقعاً جای حرفی باقی نمی‌ماند. من ماندم و سوالاتی که بی‌جواب ماند. اما برای آنان که شاید اطلاع نداشته باشند باید بگویم که آقای رئیس همین دو هفته پیش از رایزنی برای حل مشکلات این صنف خبر داده بود.